

علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیست و شش، شماره هشت، آبان ماه ۱۴۰۳ (۸۵-۱۰۰)

سبز شویی و مسئله حقوق بشر در فلسطین

هادی صالحی^{۱*}

Hadi.Salehi@Shirazu.ac.ir

الهام حیدری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱

چکیده

در عصر کنونی مشکلات زیست محیطی از جمله کمبود منابع آب، تغییرات آب و هوایی و عدم تناسب جمعیت و منابع طبیعی باعث گردیده است که توجه همگان چه دولت‌ها و چه ملت‌ها به مسئله حق بر محیط زیست سالم و نیز عدالت زیست محیطی جلب گردد. اهمیت حقوق بشری مسائل زیست محیطی سبب ظهور پدیده‌ای به نام «سبز شویی» شده است. «سبز شویی» به پدیده‌ای اشاره دارد که در قالب اقدامات حمایتی و حقوق بشری زیست محیطی به عنوان پوششی برای از بین بردن اکوسیستم یک منطقه و تخلیه ساکنان آن به منظور دستیابی به برخی از اهداف استعماری از جمله جانشینی نوین کشورها، به کار می‌رود. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی این سؤال می‌پردازد که چگونه «سبز شویی» منجر به نقض «حقوق همبستگی» می‌گردد. این پژوهش که بر اقدامات نابودگرانه رژیم صهیونیستی بر محیط زیست مناطق اشغالی فلسطینی متمرکز است، به این نتیجه دست می‌یابد که امروزه استعمار نوین در قالب «سبز شویی» نه تنها باعث می‌شود که اقدامات استعمارگرانه قابلیت رهگیری نباشند، بلکه باعث جلب حمایت سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در این راستا می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: سبز شویی، نسل سوم حقوق بشر، حقوق همبستگی، حق بر محیط زیست سالم.

۱- استادیار بخش حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. * (مسئول مکاتبات)
۲- دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Greenwashing and Human Rights Issues in Palestine

Hadi Salehi¹ *

Hadi.Salehi@Shirazu.ac.ir

Elham Heidari²

Admission Date: September 25, 2024

Date Received: May 21, 2024

Abstract

In the contemporary era, environmental challenges such as water scarcity, climate change, and the imbalance between population and natural resources have drawn the attention of both governments and nations to the issue of the right to a healthy environment and environmental justice. The human rights dimensions of environmental issues have given rise to a phenomenon known as "greenwashing." Greenwashing refers to the use of environmental protection and human rights measures as a cover for destroying the ecosystem of a region and displacing its inhabitants in order to achieve certain colonial goals, such as the neo-colonial replacement of countries. This article employs a descriptive and analytical approach to examine how greenwashing leads to the violation of solidarity rights. Focusing on the destructive actions of the Zionist regime on the environment of occupied Palestinian territories, this research concludes that contemporary neo-colonialism, in the guise of greenwashing, not only makes colonial actions untraceable but also attracts the support of international and regional organizations.

Keywords: Greenwashing, Third Generation of Human Rights, Solidarity Rights, Right to a Healthy Environment.

1- Assistant Professor of Public Law at Shiraz University. *(Corresponding Author)

2- PhD Graduate of Public Law at Shiraz University.

مقدمه

همان کشور دارای تکنولوژی نمی‌باشد و مسائل زیست‌محیطی به یک امر فرامرزی مبدل گشته است. اگرچه با تأسیس سازمان ملل متحد، دولت‌ها سعی بر این نمودند که به مسئله محیط‌زیست به عنوان یکی از مقوله‌های حقوق بین‌الملل بشر توجه نمایند، اما حمایت و حفاظت از محیط‌زیست در برابر پسماندها امری بود که باید به آن توجه ویژه‌ای می‌شد. نخستین گام در زمینه‌ی توجه به حفاظت از محیط‌زیست و آلودگی‌های آن بالاخص آثار زیان‌بار پسماندها با تصویب اعلامیه‌ی سازمان ملل متحد در خصوص محیط‌زیست بشر مصوب ۱۹۷۲، آغاز شد که به "اعلامیه استکلهم (۲)" معروف گشت. به عنوان مثال اصل ۶ این اعلامیه مقرر می‌نماید: «تخیله‌ی مواد سمی و یا مواد دیگر و انتشار گرما به میزان یا تراکمی که محیط‌زیست نتواند اثرات آن را خنثی کند باید متوقف شود تا اطمینان حاصل گردد که صدمه‌ی شدید یا ترمیم ناپذیری به اکوسیستم وارد نمی‌شود. مبارزه‌ی بر حق مردم همه‌ی کشورها بر ضد آلودگی باید تشویق گردد».

توجه به حفاظت از محیط‌زیست و آثار زیان‌بار ناشی از آلودگی‌ها به خصوص پسماندها با "منشور جهانی طبیعت" مصوب ۱۹۸۲ (۳)، میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی مصوب ۱۹۸۲ "اعلامیه ریو" مصوب ۱۹۹۲ (۴) ادامه یافت تا اینکه در "دستور کار ۲۱" مصوب ۱۹۹۲ در فصول بیستم تا بیست و سوم به طور خاص به مسئله‌ی پسماندها به ویژه پسماندهای خطرناک پرداخته شد. تمامی این اسناد، اسنادی هستند که به طور کلی مسائل گوناگونی در عرصه‌ی محیط‌زیست مطرح می‌کنند و جنبه الزام‌آور ندارند و در واقع به عنوان قوانین نرم^۵ محسوب می‌شوند. افزایش جمعیت، صنعتی شدن هر چه بیشتر کشورها، اتکا به سوخت‌های هسته‌ای به جای سوخت‌های فسیلی و آسیب‌های ناشی از سوخت‌های هسته‌ای و رادیواکتیوی و کمبود مکان دفع پسماندهای خطرناک و غیرخطرناک، همه منجر به توافقات بین‌المللی برای ایجاد کنوانسیون‌هایی در زمینه‌ی نظارت بر حمل و نقل پسماندهای

محیط‌زیست^۱ به همه‌ی محیط‌هایی که در آن‌ها زندگی جریان دارد اطلاق می‌شود. مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی خارجی و موجودات زنده که باهم در کنش هستند محیط‌زیست را تشکیل می‌دهند و بر رشد و نمو موجودات تاثیر می‌گذارند محیط‌زیست همواره در معرض خطرات گوناگونی قرار گرفته که گاهی آنقدر کوچک شمرده شده‌اند که امروزه یک بحران جهانی را برای بشریت به وجود آورده‌اند. کم‌ترین بی‌توجهی به محیط زیست بزرگترین خطرات زیست‌محیطی را به همراه می‌آورد. امروزه حقوق محیط‌زیست^۲ به ویژه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست^۳، به عنوان حقوقی جوان و پویا به عنوان بانی و حامی محیط‌زیست مطرح است که هر روز بر اهمیت و گستره‌ی آن افزوده می‌شود و ارتباط آن با سایر رشته‌ها اعم از علوم فنی، فرهنگی، انسانی و غیره علنی‌تر و آشکارتر می‌گردد. مسائل فنی، صنعتی و فناوری هر چند که خود عاملی برای آلودگی و تخریب محیط‌زیست است اما از سوی دیگر می‌تواند با ابداعات، ابتکارات، ساخت و تولید وسایل یا مواد خاص در جهت جلوگیری از آلودگی و حفاظت محیط‌زیست موثر باشد (۱). یکی از مشکلاتی که تا قبل از قرن هجدهم به دلیل رشد کم جمعیت جهان و نیز صنعتی نبودن کشورها به آن توجه چندانی نشد، مسأله پسماندها^۴ بود. در اواسط قرن هجدهم، وقوع انقلاب صنعتی، پیشرفته شدن کشورها و رشد جمعیت، به تدریج جامعه‌ی جهانی را به این فکر واداشت تا به محیط‌زیست به عنوان یکی از مقوله‌های حقوق بین‌الملل بشر، یعنی حق داشتن محیطی زیستی سالم نیز توجه خاصی نماید. مشکل آلودگی محیط‌زیست، تنها منحصر به یک کشور یا قلمرو خاص نیست. امروزه شاهد این هستیم که با پیشرفت صنعت و تکنولوژی، دیگر آلودگی‌های زیست‌محیطی مربوط به

1- Environment.

2- Environmental law.

3- International Environmental law.

۴- طبق بند ب ماده‌ی ۲ قانون مدیریت پسماندها: «پسماند یا زباله به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می‌شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم حاصل فعالیت انسان بوده است و از نظر تولید کننده زائد تلقی می‌گردد و اثرات مخرب زیست‌محیطی دارد».

زیست از آنجایی که به جمعی از افراد و اکوسیستم یک منطقه که صرفاً محدود به حاکمیت ملی یک کشور نیست، یکی از مهم‌ترین موضوعات نسل سوم حقوق بشر تلقی می‌گردد. از همین رو است که امروزه می‌توان آن را به عنوان یک پوشش موجه جهت استعمار و حتی جانشینی کشورها بدون توسل به جنگ و مخصمات مسلحانه در نظر گرفت.

حال بر فرض اینکه اسرائیل از این ابزار برای تصرف و تصاحب زمین‌های فلسطینیان استفاده می‌نماید، این پژوهش سعی بر این دارد که راه‌های استفاده و استیلاء اسرائیل از این ابزار را مورد بررسی قرار دهد. بدین توضیح که چگونه اسرائیل از اصول حقوق محیط زیست و اصل توسعه پایدار با عنوان رهایی سرزمین خویش از بحران‌های زیست محیطی، تخطی می‌نماید. در همین راستا در بدو امر لازم است که مهم‌ترین اصول زیست محیطی مورد بررسی قرار گیرد که در ادامه بتوان به تحلیل نقش زیست محیطی اسرائیل در منطقه پرداخت.

گفتار اول: اصول حاکم بر محیط زیست

ضرورت شرح اصول حاکم بر محیط زیست ناشی از این است که این اصول در تمام شاخه‌های محیط‌زیست به ویژه در زمینه‌ی حفاظت از محیط‌زیست در برابر پسماندها کاربرد دارد و توجه به اصول خاص هر شاخه از حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، مانند مدیریت پسماندها با توجه به اصول کلی حقوق بین‌الملل محیط زیست امکان‌پذیر نمی‌باشد. از جمله اصول مهم حاکم بر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست عبارتند از: ۱- اصل حاکمیت بر منابع طبیعی و تعهد عدم وارد کردن خسارت بر محیط‌زیست دیگر کشورها یا مناطقی که آن سوی صلاحیت مرزهای ملی هستند^۱، ۲- اصل اقدام پیشگیرانه^۲، ۳- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت^۳، ۴- اصل حق توسعه^۴، ۵- اصل حق برخورداری از محیط‌زیست سالم^۵، ۶- اصل

خطرناک و دیگر مواد و نیز دفع آن‌ها گردید. که از آن جمله می‌توان به دو کنوانسیون بین‌المللی مهم در سطح جهانی اشاره کرد: ۱- کنوانسیون لندن در خصوص جلوگیری از دفع پسماندها و دیگر مواد در دریا مصوب ۱۹۷۲ (۵) و کنوانسیون بازل در خصوص نظارت بر حمل و نقل فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آن‌ها مصوب ۱۹۸۹ (۶). این دو کنوانسیون خود الگویی برای ایجاد کنوانسیون‌های منطقه‌ای دیگر در این زمینه شدند که می‌توان به کنوانسیون باماکو در مورد ممنوعیت واردات به آفریقا و کنترل رفت و آمد فرامرزی و مدیریت در خصوص فضولات خطرناک در محدوده‌ی آفریقا مصوب ۱۹۹۱ (۷) و پروتکل منطقه‌ای کویت در مورد کنترل انتقالات برون مرزی و دفع پسماندهای خطرناک و دیگر ضایعات در دریا مصوب ۱۹۹۸ (۸) اشاره کرد. اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، نقش سازمان‌های بین‌المللی اعم از دولتی و غیر دولتی در زمینه‌ی حفاظت از محیط‌زیست در برابر پسماندها است. بی‌تردید رشد شگفت‌انگیز سازمان‌های بین‌المللی نیز از برجسته‌ترین جنبه‌های روابط بین‌المللی در قرن بیستم بوده، که بسیاری را به فردایی بهتر امیدوار ساخته است. (۹)

آنچه که امروزه توسط اسرائیل صورت می‌گیرد، استعماری موجه در قالب و پوشش مسائل زیست محیطی است. اغلب رسانه‌های بین‌المللی اسرائیل را به عنوان کشوری معرفی می‌نمایند که به صورت روزمره با مسایل زیست محیطی دست و پنجه نرم می‌کند و تمامی تکنولوژی و دانش مدرن را برای رهایی از بحران‌های زیست محیطی به کار می‌بندد. حال سؤال این است که آیا که دغدغه حکمرانان اسرائیل صرفاً محیط زیست بوده است؟ این سوال بدین دلیل ایجاد شده است که آمار و ارقام حاکی از این است که اسرائیل به بهانه زمین‌های کشاورزی بلااستفاده و کمبود منابع آب، به تصرف زمین‌های فلسطینیان اقدام نموده و از ابزار محیط زیست تنها به عنوان یک پوشش نسل سوم حقوق بشری استفاده می‌نماید. (۱۰)

نسل سوم حقوق بشر برخلاف نسل اول و دوم که به صورت شخصی و فردی، افراد را مورد خطاب قرار می‌داد، به صورت دسته جمعی افراد بشر را در نظر می‌گیرد. حقوق محیط

1- Principle of Sovereignty over Natural Resources and the Responsibility not to Cause Damage to the Environment of other States to Areas Beyond National Jurisdiction.

2- Principle of Prevention Action.

3- Principle of Common but Differentiated Responsibility.

4- Principle of Right of to Development.

5- Principle of Right to Healthy Environment.

بین‌المللی دادگستری، در قضیه‌ی مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ (۱۱) مورد تأیید قرار گرفته است. حمایت انجام شده از قاعده‌ی مندرج در اصل ۲۱ اعلامیه استکلهم و اصل ۲ بیانیه‌ی ریو توسط دولت‌ها، دیوان بین‌المللی دادگستری و دیگر بازیگران بین‌المللی طی ۳ دهه-ی گذشته نشان دهنده‌ی نقش محوری است که این اصل بازی می‌کند. این اصل از طریق پذیرش موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی که تعهدات خاص با تعهدات جزئی به منظور اثر بخشیدن به اهداف اساسی را ایجاد کردند و همچنین قوانین ملی زیست‌محیطی توسعه پیدا نمود. اصل ۲۱ اعلامیه استکلهم و اصل ۲ بیانیه ریو حداقل این امر را مورد تأیید قرار دادند که حقوق دولت‌ها نسبت به منابع طبیعی در اعمال حاکمیت دائمی نامحدود نیست و تابع محدودیت‌های قابل توجه زیست‌محیطی هستند. همان‌طور که گفته شد این اصل از دو بخش تشکیل شده است. الف- حقوق حاکمه دولت‌ها بر منابع طبیعی سرزمین خود. ب- تعهد بر عدم ورود خسارت به محیط‌زیست دیگر کشورها و یا مناطقی فراتر از محدوده‌ی صلاحیت ملی آن‌ها. هر دو بخش در کنوانسیون‌های بسیاری درج شده است. از جمله کنوانسیون‌هایی که اصل حقوق حاکمه در آن‌ها درج شده است می‌توان به کنوانسیون ۱۹۳۳ لندن در خصوص حفاظت از جانوران و گیاهان در وضعیت طبیعی^۶، کنوانسیون ۱۹۷۱ رامسر در خصوص حفاظت از تالاب‌های مهم بین‌المللی (۱۲)، کنوانسیون ۱۹۸۹ بازل در خصوص حمل و نقل فرامرزی پسماندها خطرناک و دفع آن‌ها که در مقدمه این‌گونه بیان می‌نماید: «تمام دولت‌ها حق حاکمه دارند که از ورود یا دفع پسماندهای خطرناک خارجی و پسماندهای دیگر در سرزمین خود جلوگیری کنند» اشاره کرد. از جمله کنوانسیون‌هایی که مقرر می‌کند دولت‌ها نباید به محیط زیست دولت‌های دیگر و مناطقی که فراسوی مرزهای آن‌ها هستند آسیب وارد نمایند عبارتند از: پیمان همکاری

توسعه پایدار^۱، ۷- اصل اقدامات احتیاطی^۲، ۸- اصل انجام مطالعات مربوط به تأثیرات بر محیط‌زیست^۳، ۹- اصل انجام مطالعات مربوط به تأثیرات بر محیط‌زیست^۴، ۱۰- اصل «آلوده کننده باید هزینه آلودگی را بپردازد»^۵، در ادامه به طور مختصر به این اصول پرداخته می‌شود.

۱- اصل حاکمیت بر منابع طبیعی و تعهد عدم وارد کردن خسارت بر محیط زیست دیگر کشورها یا مناطقی که آن سوی صلاحیت مرزهای ملی هستند.

قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در چهارچوب دو هدف توسعه یافته‌اند: الف- دولت‌ها حق حاکمیت بر منابع طبیعی سرزمین خود را دارند و ب- دولت‌ها نباید سبب آسیب بر محیط‌زیست شوند. این اهداف در اصل ۲۱ اعلامیه استکلهم گنجانده شده است: «دولت‌ها، طبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، دارای حقوق حاکمه برای بهره برداری از منابع سرزمین خود، مطابق سیاست‌های محیط‌زیستی مصوب می‌باشند و مسئولند ترتیبی دهند تا فعالیت‌های انجام شده در حیطه صلاحیت با نظارت آن‌ها موجب ورود زیان به محیط‌زیست کشور یا مناطق خارج از محدوده‌ی صلاحیت ملی آن‌ها نگردد».

اصل ۲۱ سنگ بنای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌باشد. ۲۱ سال بعد از تصویب اعلامیه استکلهم، دولت‌های مذاکره کننده در خصوص اعلامیه ریو قادر بر بهبود، توسعه، تقلیل و یا تغییر بیان در پذیرش اصل ۲ اعلامیه ریو نبودند. اصل ۲۱ اعلامیه استکلهم و اصل ۲ اعلامیه ریو هر دو، دو عنصر را تشکیل می‌دهند که جدایی ناپذیرند مگر این که مفهوم خود را به طور اساسی تغییر دهند: حق حاکمه‌ی دولت‌ها بر اکتشاف منابع طبیعی خودشان؛ و مسئولیت یا تعهد به خسارت وارد نکردن به محیط‌زیست دیگر کشورها و یا مناطق آن سوی محدوده‌ی صلاحیت ملی. اصل ۲۱ اعلامیه استکلهم نشان دهنده‌ی قاعده‌ی عرفی می‌باشد که در رای مشورتی دیوان

1- Principle of Sustainable Development.

2- The Principle of Precautionary.

3-Environment Impact Assessment- EIA (Studies).

4- The Principle of Prevention of Environment.

5- The Principle of Polluter Pays.

6- Convention Relative to the Preservation of Fauna and Flora in the Natural States, London, 1933.

آمازون مصوب ۱۹۷۸ میلادی^۱، کنوانسیون حمایت از محیط-زیست دریایی و منطقه‌ی ساحلی جنوب شرقی اقیانوس آرام، لیما، مصوب ۱۹۸۱ میلادی^۲، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در ماده‌ی ۱۹۳ این کنوانسیون اشاره شده است: «دولت‌ها حق حاکمه به اکتشاف منابع طبیعی در سرزمین خود متعاقب سیاست‌های زیست‌محیطی و مطابق با وظیفه در رابطه با حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی دارند». مشاهده می‌شود که در این ماده هر دو بخش اصل مذکور گنجانده شده است (۱۳).

۲- اصل اقدام پیشگیرانه

اقدامات پیشگیرانه باید به منظور جلوگیری از ورود خسارات بر محیط‌زیست و با تدارک اقدامات ضروری اتخاذ گردند. همچنین اصل پیشگیرانه باید پیش از اجرای یک فعالیت یا ساخت و ساز اعمال شود (۱۴). مشکلات پیش روی این اصل را در رابطه با آسیب‌های وارده به لایه ازن و تغییرات آب و هوایی می‌توان مشاهده نمود. این اصل در ماده‌ی ۱۵ بیانیه ریو مشاهده می‌شود که مقرر می‌کند: «دولت‌ها برای حفاظت از محیط زیست می‌بایست به طور گسترده و برحسب توان خویش اقدامات پیشگیرانه مبذول نمایند. در مواردی که خطر ایجاد صدمات جدی یا جبران ناپذیری به محیط زیست وجود دارد، عدم یقین کافی علمی نباید توجیهی جهت به تعویق انداختن اقداماتی که از نظر هزینه کارآمد بوده و لازمه جلوگیری از تخریب محیط زیست هستند، شود». برخی از معاهدات بین‌المللی این اصل را مورد توجه قرار دادند: ۱- اصل ۱۵ اعلامیه ریو، ۲- مقدمه^۳ کنوانسیون تنوع زیستی ۳- ماده-۳ کنوانسیون مربوط به تغییرات آب و هوایی، ۴- ماده‌ی

۱۷۴^۵ معاهده‌ی جامعه‌ی اروپا^۶.

اصل پیشگیرانه به طور ضمنی در رابطه با منابع فرامرزی که در پرونده‌ی تریل اسملتر^۷ و داوری دریاچه‌ی لانو^۸ حکم داده شد، مطرح گردید. این اصل در ادعای استرالیا در پرونده‌ی آزمایش‌های هسته‌ای^۹ و در دعوی نائورو علیه استرالیا^{۱۰} راجع

«اعضای کنوانسیون می‌بایست اقدامات پیشگیرانه‌ای جهت پیش-بینی، جلوگیری یا به حداقل رساندن دلایل تغییرات آب و هوایی و کاهش اثرات سوء آن به کار گیرند».

5- Treaty of European Commission

بند ۲ ماده‌ی ۱۷۴ معاهده‌ی اروپا مقرر می‌کند: «سیاست‌های جامعه پیرامون محیط‌زیست بایستی با این هدف باشد که در سطح بالایی از حفاظت، گوناگونی موقعیت‌ها در مناطق مختلف جامعه را در نظر بگیرد. که این باید بر اساس اصل پیشگیرانه و آن اصولی که می‌گوید اقدام پیشگیرانه‌ای باید اتخاذ گردد و این که خسارت‌های زیست‌محیطی بایستی در اولویت از منشاء اصلاح شود و این که آلوده کننده باید خسارت را پرداخت کند، باشد در این چارچوب، اقدامات هماهنگ سازی پاسخگوی نیازهای حمایتی زیست‌محیطی بایستی، هر کجا که لازم است شامل شرطی ایمنی باشد که به اعضای دولت‌ها اجازه می‌دهد اقداماتی موقتی برای دلایل زیست محیطی غیر اقتصادی اتخاذ کنند که تابع فرآیند نظارت جامعه است».

6- Chr. Bugge, Hans, International Environmental Law Course, Principles of International Environmental Law, Available in: [www.unio.no, pp1-9.at](http://www.unio.no/pp1-9.at) 7-8.

7- Trail Smeltar.

این قضیه مربوط به خسارت‌های ایجاد شده در ایالت واشنگتن در اثر دی‌اکسید سولفوری که از سال ۱۹۲۵ از یک رودخانه‌ی ذوب آهن کانادا واقع در مسافت ۱۰ مایلی مرز آمریکا-کانادا همراه با آب رودخانه کلمبیا به واشنگتن رسیده بود. در این دعوی محکمه کانادا را برای خسارتی که از یک عملیات خصوصی مربوط به ذوب آهن، به اموال ایالات متحده ی آمریکا وارد آمده بود مسئول شناخت. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: موسوی منبع پیشین، ص ۵۷۲.

8- Lac Lanoux.

در داوری دریاچه‌ی لانو، محکمه داوری، ادعای اسپانیا مبنی بر این که انحراف آب توسط فرانسه، از یک دریاچه‌ی فرانسوی به دورن یک سیستم هیدرولیکی، بر بهره برداری آب اسپانیا اثر گذارده است، رد نمود. محکمه‌ی مزبور، ابتدائاً با تفسیر تعهدات ناشی از یک قرارداد، مبنی بر این که هرگونه فعالیتی که به امر بهره‌برداری هر یک از طرفین، از دریاچه لانور و رودخانه کارول، لطمه آورد، احتیاج به موافقت طرفین دارد، با قضیه برخورد نمود. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: موسوی، منبع پیشین، ص ۵۷۴.

149- در این قضیه استرالیا و نیوزلند ادعا کردند که آزمایش‌های اتمی هسته‌ای فرانسه در اقیانوس آرام سبب ریزش اتمی می‌شود که نقض فاحش حاکمیت این دو کشور را در پی دارد و همچنین نقض حقوق بین‌الملل و در نتیجه صدمات محیط زیستی را سبب می‌شود.

1- Treaty for Amazonian Cooperation, Brasilia, 1978.

2- Convention for the Protection of the Marine Environment and Coastal Area of the South-East Pacific, Lima, 1981.

۳- در بند ۶ مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی آمده است: «همچنین با توجه به این که هر جا خطر جدی کاهش یا نابودی تنوع زیستی وجود دارد، نمی‌توان عدم قطعیت علمی کامل را به عنوان دلیل به تعویق انداختن اقدامات لازم برای جلوگیری یا کاهش چنان خطری مطرح کرد».

۴- بند ۳ ماده‌ی ۳ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی مقرر می‌کند:

است. از جمله این کنوانسیون‌ها عبارتند از: کنوانسیون ۱۹۴۹ در مورد تشکیل کمیسیون ماهی تن منطقه گرمسیری بین کشورهای آمریکایی^۱، کنوانسیون ۱۹۶۷ در مورد فضای بیرونی^۲، کنوانسیون میراث جهانی مصوب ۱۹۷۲ (۱۵) و نیز کنوانسیون ۱۹۹۲ تنوع زیستی. برای نمونه این کنوانسیون در مقدمه‌اش بیان می‌دارد که: «تنوع زیستی یک نگرانی مشترک بشریت است». کنوانسیون‌های دیگری در ارتباط با مسئولیت متفاوت هستند که می‌توان به پروتکل مونترال مصوب ۱۹۸۷، کنوانسیون ۱۹۹۲ در مورد تغییرات آب و هوایی و پروتکل ۱۹۹۷ کیوتو که اصل مسئولیت متفاوت را برای کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه مقرر می‌نماید و طیف و سببی از اهداف مختلف با توجه به سهم تاریخی دولت‌ها و قابلیت‌های آن‌ها مقرر می‌نماید (۱۳).

۴- اصل توسعه پایدار

ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد^۳ یکی از اهداف همکاری‌های میان دولت‌ها را در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی دستیابی به توسعه می‌داند و بر اساس ماده ۵۶ این منشور از دولت‌ها خواسته می‌شود که به طور انفرادی یا دسته جمعی نقش خود را در ترویج توسعه و احترام به حقوق بشر ایفاء نمایند. حق توسعه از اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸^۴ و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر (۱۶) سرچشمه می‌گیرد. بنابراین حق توسعه اغلب به عنوان مجموعه‌ای از حقوق بشر در نظر گرفته می‌شود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۶ میلادی اعلامیه حق توسعه^۵ را مورد پذیرش قرار داد. این اعلامیه به طور صریح بیان می‌دارد که حق توسعه یک حق اساسی بشر است که بر اساس آن همه اشخاص و همه مردمان دارای این حق هستند که در توسعه

به تعهدات قانونی‌اش در مورد اداره‌ی سرزمین نائورو که ناپستی تغییراتی را به وجود آورد که سبب آسیب جبران ناپذیری به منافع قانونی نائورو شود، مورد حمایت قرار گرفت (۱۳).

۳- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت

می‌توان گفت اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت یکی از مظاهر خاص اصل انصاف در حقوق بین‌الملل است. این اصل تفاوت‌های تاریخی در سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در مشکلات زیست‌محیطی جهانی و توانایی‌های فنی و اقتصادی هر کدام برای حل مشکلات را مورد توجه قرار می‌دهد. در این راستا، اصل ۷ اعلامیه ریو اعلام می‌دارد که «دولت‌ها باید با روحیه مشارکت جهانی در نگهداری، حفاظت و احیاء سلامت و یکپارچگی اکوسیستم زمین با یکدیگر همکاری کنند. با عنایت به سهم متفاوت دولت‌ها در تخریب محیط‌زیست جهانی آن‌ها مسئولیت‌های مشترک اما متفاوتی به عهده دارند. نظر به فشار جوامع کشورهای توسعه یافته بر محیط‌زیست جهانی و تکنولوژی و منابع مالی که آن‌ها در اختیار دارند، این دولت‌ها بر مسئولیت خود در پیگیری توسعه پایدار تصدیق می‌کنند». با توجه به این مطالب، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت از دو قسمت اصولا متفاوت و در عین حال بهم وابسته تشکیل شده است: الف) مسئولیت مشترک؛ و ب) مسئولیت یا تعهدات متفاوت. ریشه‌های اصلی مسئولیت مشترک در بسیاری از کنوانسیون‌های وارد شده

در این قضیه دیوان دستور موقت در رابطه با توقف آزمایشات اتمی هسته‌ای فرانسه صادر می‌نماید. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: موسوی، مع پیشین، ص ۵۷۶.

150- جمهوری نائورو در سال ۱۹۹۲ دادخواستی را علیه استرالیا تقدیم دیوان نمود با این ادعا که استرالیا اقدام به استخراج و اتمام منابع ذخیره‌ای فسفات در سرزمین نائورو که مستعمره استرالیا، بریتانیای کبیر و نیوزلند بوده کرده است. نائورو ادعا کرد که قیم‌ها سرزمین را غارت و ویران کردند و حق امتیاز کافی نیز پرداخت نکردند و بدین ترتیب تعهدات منشور و قرارداد قیمومت و تعهدات حقوق بین‌الملل عمومی را نقض کردند. پس از این‌که دیوان صلاحیت خود را برای وارد شدن در ماهیت قضیه اعلام کرد، طرفین اقدام به سازش کردند. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: موسوی، منبع پیشین، ص ۵۸۲.

1- Convention for the Establishment of an Inter-American Tropical Tuna Commission, Washington, 1949.

2- Treaty on Principle Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space Including the Moon and other Celestial Bodies, London, Moscow, Wahington, 1967.

3- United Nations Charter.

4- Human Rights Declaration, 1948.

5- The 1986 United Nations General Assembly Declaration on the Right to Development.

گیرد. بر آوردن نیازهای اساسی انسان‌ها، بویژه افراد و ملت‌های فقیر و توجه به حقوق نسل‌های آینده در برخورداری از منابع و امکانات زیست محیطی، با توجه به فشارهای ناشی از سازمان‌های اجتماعی و وضعیت تکنولوژی بر محیط زیست. بدین ترتیب می‌توان گفت هر نسل برای تأمین منافع و رفاه خود فقط مجاز به استفاده از روش‌ها و منابع طبیعی و رویارویی با محیط‌زیست تا حدی است که سبب تضعیف توانایی نسل‌های آینده در ارضای نیازهایشان نشود. در این راستا اصل ۳ اعلامیه ریو (۴) مقرر می‌دارد: «حق برخورداری از توسعه باید به ترتیبی تحقق یابد که نیازهای مربوط به توسعه محیط‌زیست نسل‌های حاضر و آینده را ملحوظ و تأمین نماید.» برای دستیابی به توسعه پایدار فرایند توسعه باید متضمن حفاظت از محیط‌زیست باشد. با تشکیل کمیسیون توسعه پایدار^۴ وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲، مشاهده می‌شود که ارجاع به مفهوم توسعه پایدار در اسناد بسیاری رایج و متداول گردیده است. اعلامیه ۲۰۰۲ ژوهانسبورگ^۵ در مورد توسعه پایدار و برنامه عمل اجلاس جهانی توسعه پایدار جایگاه این مفهوم را در عرصه بین‌المللی تحکیم بخشیده است. اعلامیه ژوهانسبورگ اعلام می‌نماید: «توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست سه بنیاد اساسی وابسته و مکمل توسعه پایدارند.» کثرت و استمرار ارجاع به این مفهوم در اسناد بین‌المللی موجب گردیده است که برخی آن را یک اصل عمومی حقوق بین‌المللی تلقی نموده یا حداقل آن را تجلی جهان شمولی یک اعتقاد حقوقی و کلی^۶ بدانند.

توجه به حقوق نسل‌های آینده در برخورداری از منابع و امکانات زیست محیطی، با توجه به فشارهای ناشی از سازمان‌های اجتماعی و وضعیت تکنولوژی بر محیط زیست.

۵- اصل حق برخورداری از محیط زیست سالم

احترام به حق حیات یکی از اجزاء اساسی اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های حقوق بشر و منشور جهانی طبیعت

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشارکت نموده و نقش خود را ایفاء نمایند. اصل ۳ ریو ۱۹۹۲ مقرر می‌دارد که حق توسعه بایستی به گونه‌ای اجرا گذاشته شود که به طور منصفانه نیازهای نسل‌های حاضر و آینده را در رابطه با توسعه و محیط‌زیست تأمین نماید. این حق در اسناد بین‌المللی دیگر همچون اعلامیه حقوق بشر وین ۱۹۹۳^۱ و اعلامیه سران در خصوص مسائل اجتماعی در کنه‌هاگ^۲ درج شده است. منشور آفریقایی حقوق بشر و حقوق مردم^۳ نیز یکی از معاهدات بین‌المللی است که حق توسعه در آن گنجانده شده است. اعلامیه توسعه تدریجی اصول حقوق بین‌الملل عمومی مربوط به نظم نوین اقتصادی بین‌المللی حق توسعه را به عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل عمومی به طور کلی و حقوق بین‌الملل بشر به طور خاص در نظر گرفت. ماده ۱۸ پیش‌نویس تهیه شده از سوی اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت از طبیعت نیز در خصوص حق توسعه چنین مقرر می‌دارد که اجرای حق توسعه این تعهد را در بر دارد که نیازهای بشری به توسعه و محیط‌زیست به صورتی پایدار و منصفانه تأمین گردد (۱۷). همچنین تحقق حق برخورداری از توسعه و محیط زیست سالم عنوان حق‌های بشری در گروه ساز و کار موثری به نام توسعه پایدار است. این پیشنهادی است که گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه مشهور به آینده مشترک ما برای آشتی نقطه نظرات کشورهای شمال و جنوب در خصوص نقش محیط‌زیست و رابطه آن با توسعه اقتصادی ارائه نموده است. به جای تقابل بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست باید سیاست‌های جدیدی را دنبال کرد که در آن‌ها باید رعایت همه‌ی حق‌های بشری حفاظت از محیط زیست مورد توجه قرار گیرد. در این سند، توسعه پایدار «توسعه‌ای است که نیازهای کنونی ما را بر آورده می‌سازد، بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را در ارضای نیازهای خود محدود یا ناممکن سازد». بنابراین در توسعه پایدار دو مولفه مورد توجه قرار می-

1- The Vienna Human Rights Declaration, 1993.
2- The Copenhagen Social Summit Declaration, The World for Social Development, 1995.
3- African Charter on Human and Peoples Rights, 1981.

4- Sustainable Commission, 1992.

5- Johannesburg Declaration, 2002.

6- Opinio Juris.

برخورداری از محیط زیست سالم را فراهم نموده و در گسترش آن موثر باشد (۱۷).

۶- اصل انجام مطالعات مربوط به تأثیرات بر

محیط زیست

انجام مطالعات مربوط به ارزیابی زیست‌محیطی یک ابزار مهم برای تصمیم‌گیری در چهارچوب اجرای طرح‌های توسعه می‌باشد. این مطالعات از آن جهت انجام می‌شود که اثرات زیست‌محیطی احتمالی طرح‌های توسعه پیشنهاد شده تعیین و ارزیابی گردند. هدف از انجام مطالعات زیست‌محیطی آن است که محیط‌زیست با اتخاذ شیوه‌های احتیاطی حمایت گردد و فرایند توسعه بصورت پایدار دنبال گردد (۱۷).

۷- اصل «آلوده کننده باید هزینه آلودگی را

بپردازد»

بر اساس این اصل، هزینه‌ی رفع آلودگی باید از سوی آلوده کننده‌ی آن پرداخت شود. این اصل از یک سو حق دیگران در برخورداری از محیط زیست سالم را به رسمیت می‌شناسد و از سوی دیگر نوعی اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست به شمار می‌رود. این اصل برای اولین بار از سوی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه مطرح شد. امروزه این اصل در معاهدات و سایر اسناد مهم بین‌المللی و رویه قضایی مورد استناد قرار گرفته و به عرف بین‌المللی تبدیل شده است. اصل ۱۶ اعلامیه ریو بیان می‌دارد: «با تأکید بر منافع عمومی و همچنین اشاره به اینکه اصولاً آلوده کننده محیط‌زیست باید هزینه‌های رفع آن را بپردازد، از دولت‌ها می‌خواهد تا اصل مذکور را مورد توجه قرار دهند». در فصل ۲۰ دستور کار ۲۱ نیز از دولت‌ها خواسته شده است تا در سیاست‌های داخلی خود به ویژه در ارتباط با پسماندهای خطرناک، به این مسئله نیز توجه داشته باشند. این اصل از زمان طرح مسئولیت افراد در معاهدات بین‌المللی در خصوص حوادث هسته‌ای و نفتی که بر اساس آن افراد در برابر فعالیت‌هایی که منجر به تخریب محیط‌زیست می‌گردد، دارای مسئولیت می‌باشند، وارد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست گردید، هرچند قبل از آن نیز این موضوع در احکام دیوان‌های بین‌المللی مورد استناد قرار گرفته

است. اصل ۱ اعلامیه ریو بیان می‌دارد که بشر در مرکز توجهات در فرایند توسعه پایدار قرار دارد و بشر حق دارد که از یک زندگی سالم و پربرابر در هماهنگی با طبیعت برخوردار باشد. همه‌ی اصول دیگر اعلامیه ریو در واقع به گونه‌ای تنظیم شده‌اند تا زمینه‌ی اجرای این اصل را فراهم نمایند. فصل ۶ دستور کار ۲۱ در خصوص حمایت و ترویج سلامت بشر، در بند ۱ بیان می‌دارد: «سلامتی و توسعه به یکدیگر مربوط هستند، هم توسعه ناکافی منجر به فقر و هم توسعه نامناسب منجر به مصرف زیاد همراه با گسترش جمعیت جهانی، می‌تواند سبب بروز مسائل شدید برای سلامت محیط‌زیست گردند». بر این اساس دستور کار ۲۱ باید نیازهای اولیه جمعیت جهان به سلامت را مورد توجه قرار دهد، زیرا تأمین این نیازها برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار و حمایت از محیط‌زیست ضروری هستند. اصل اول اعلامیه استکهلم راجع به محیط زیست بشر نیز مقرر می‌دارد: «بشر حقوق بینادین را نسبت به آزادی، برابری و شرایط ناکافی و مناسب برای زندگی در محیط زیستی با کیفیتی که اجازه زندگی با شرافت و سعادت‌مندان را به وی دهد، دارد و مسئولیت سنگینی دارد تا محیط زیست را برای نسل‌های حاضر و آینده حمایت نموده و در بهبود آن بکوشد». بند ۲ از قسمت اول پیش‌نویس اصول راجع به حقوق بشر و محیط زیست تهیه شده از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵ مقرر می‌دارد: «همه‌ی اشخاص حق دارند، که از محیط‌زیست ایمن، سالم و از نظر اکولوژیکی مناسب برخوردار باشند. این حق و حقوق دیگر بشر، از جمله حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهانی هستند و به یکدیگر وابسته بوده و از یکدیگر قابل تفکیک نیستند». حق برخورداری از محیط‌زیست سالم اغلب و بارها در اسناد غیرالزام‌آور از نظر حقوقی درج شده و در معاهدات بین‌المللی نیز این حق در چارچوب موضوعاتی خاص همچون مسائل کار و کارگری، تعارضات مسلحانه و ضایعات خطرناک و بهداشت عمومی به رسمیت شناخته شده است. حق برخورداری از محیط زیست و توسعه به یکدیگر است. توسعه‌ای پایدار است که زمینه‌ی تحقق حق

فرهنگ لغت هزاره جدید وبستر، سبزشویی را به عنوان «عملی برای ترویج برنامه های دوستدار محیط زیست برای منحرف کردن توجه از فعالیت های غیردوستانه با محیط زیست برای منحرف کردن توجه از فعالیت های غیردوستانه با محیط زیست تعریف می نماید. در سال ۱۹۹۹ این اصطلاح به فرهنگ لغت انگلیسی مختصر آکسفورد اضافه شد، که آن را این گونه تعریف می کند: «اطلاعات نادرست منتشرشده توسط یک سازمان به منظور ارائه یک تصویر عمومی از مسئول محیط زیست. تصویر عمومی از مسئولیت زیست محیطی که توسط یا برای یک سازمان و غیره منتشر شده است، اما بی اساس یا عمدا گمراه کننده تلقی می شود». بنابراین آنچه در تمامی این تعاریف مورد توجه قرار می گیرد؛ حفظ افشای اطلاعات منفی مربوط به عملکرد زیست محیطی و افشای اطلاعات مثبت در مورد عملکرد زیست محیطی است. اصطلاح «سبزشویی» برای اولین بار در سال ۱۹۸۶ توسط یک محیط بان به نام جی وستروولد ابداع شد. او مقاله ای در مورد صنعت مهمان نوازی در خصوص شیوه های آنها برای ترویج استفاده مجدد از حوله منتشر کرد (۱۹).

با توجه به تعاریف فوق اصولاً سبزشویی را به شش طبقه دسته بندی می کنند:

۱- افشای انتخابی: این نوع شستشوی سبز بیشترین مطالعه را در تحقیقات شستشوی سبز داشته است. در این دسته شرکت ها یا گروه ها اگر اطلاعات زیست محیطی دارند سعی می نمایند که آن را افشاء و از این طریق می توانند اعتماد مخاطبان خود را جلب نمایند.

۲- جداسازی: جداسازی زمانی اتفاق می افتد که شرکت ها ادعا می کنند که انتظارات سهامداران خود را برآورده می نمایند، بدون اینکه واقعاً رویه های خود را تغییر دهند. بنابراین شستشوی سبز یک استراتژی جداسازی برای دستیابی به مشروعیت و نشان دادن انطباق بدون انطباق دقیق است.

۳- انحراف توجه: انحراف توجه به فعالیت های نمادینی اشاره دارد که برای منحرف کردن توجه سهامداران برای پنهان کردن اقدامات تجاری فاسد طراحی شده اند. یکی دیگر از روش های منحرف کردن توجه، افشای تعریف نشده است.

بود. بر همین اساس، دیوان داوری اسملتر، کانادا را به علت آلوده کردن محیط زیست آمریکا مسئول شناخت و اعلام داشت که آن کشور باید غرامت خسارات وارد شده به محیط زیست آمریکا را بپردازد (۱۸).

۸- اصول دیگر حقوق بین الملل محیط زیست

۸-۱- اصل رعایت انصاف^۱

این اصل بیان می دارد که این مسئولیت هر نسل است تا میراث طبیعی و فرهنگی خود را به گونه ای مورد استفاده قرار داده و توسعه دهد که این میراث بتواند در وضعیتی یکسان (و نه در سطحی نامطلوب تر) به نسل های آینده انتقال داده شود. این اصل در بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد راجع به تغییرات اقلیمی مصوب ۱۹۹۲ درج شده است (۱۷).

۸-۲- اصل رعایت دموکراسی یا مشارکت عموم^۲

هدف این اصل فراهم کردن زمینه های لازم برای مشارکت عموم مردم و کسانی است که در اثر اجرای یک طرح توسعه پیشنهاد شده تحت تاثیر واقع می شوند (۱۷).

گفتار دوم: مفهوم سبزشویی

عده ای شستشوی سبز را با رفتار جداسازی مرتبط می دانند. به عبارتی این دسته از نویسندگان شستشوی سبز را با اقدامات نمادین مرتبط می دانند. به عبارتی آن را تمایل به منحرف کردن توجه به مسائل جزئی یا ایجاد «گفتگوی سبز» از طریق بیانیه هایی با هدف ارضای نیازهای ذی نفعان از نظر پایداری، اما بدون هیچ اقدام مشخصی دارد. همچنین این گروه معتقدند که شستشوی سبز اساساً رفتارهایی است که رفتارهای نمادین حفاظت از محیط زیست بدون رفتار حفاظت از محیط زیست یا عدم انجام تعهدات حفاظت از محیط زیست بدون رفتار دلالت کننده بر حفاظت از محیط زیست یا عدم انجام تعهدات حفاظت از محیط زیست هستند، برای کاهش فشارهای عمومی خارجی. به عبارتی این رفتارها برای حفظ مشروعیت گروه یا شرکت است (۱۹).

1- The principle of fairness.

2-The principle of respect for democracy or participation.

سیاست های دولت یا جامعه نادیده گرفته می شوند) تمرکز می کند. عدالت زیست محیطی در تأکید بر توزیع عادلانه منافع زیست محیطی، چشم اندازی ساختاری نیز اتخاذ می کند، با در نظر گرفتن اینکه چگونه اجزای قدرتمند ممکن است سود ببرند و احزاب کمتر قدرتمند ممکن است آسیب ببینند (۲۱). استعمار، سرمایه داری و آپارتاید با هم تلاقی می کنند تا اسرائیل را به ویژه در قبال فلسطین ویرانگر کند. صهیونیسم از بدو تولد به طبیعت حمله نمود. بهره برداری از منابع طبیعی به عنوان بخش های ضروری برنامه های صهیونیست ها برای تطبیق تلقی می گردد. چشم انداز صهیونیستی برای بهبود فلسطین، با ساختن آن و زیباتر کردن آن، منعکس کننده ایده هایی است که توسط استعمارگران گذشته اروپایی حمایت شده بود. اروپایی ها به دنبال «بهبود» مناطق مستعمر شده با تکنولوژی و جامعه برتر خود بودند. صهیونیست ها علاوه بر فلسطینیان از طرق مختلفی از جمله تشکیل مناطق صنعتی، جنگ، آلودگی و تصاحب آب، جنگل زدایی، خشونت با شهرک نشینان و نیز احداث دیوار به محیط زیست آسیب رساندند (۲۲).

برخی از نویسندگان این امر را برجسته می کنند که ساختارها و روش های منحصر به فرد اشغال تأثیرات منفی بر تنوع زیستی داشته اند. به عنوان مثال به ساخت شهرک های گسترده اسرائیل، دیوار آپارتاید اسرائیل و ساختار موازی جاده برای ساکنین و نیروهای نظامی اشاره کرده اند. این ساختارها مردم فلسطین را تقسیم کرده اند، آن ها را به طور فیزیکی و روحی از سرزمین خود دور کرده اند و همچنین محیط زیست های وحشی را نیز تقسیم کرده اند و تنوع کشاورزی غنی که توسط کشاورزان فلسطینی در طی قرون ساخته شده بود، از انواع محصولات گرفته تا زنبورهای اهلی، را نیز خراب کرده اند. در منطقه غزه، زمین های کشاورزی جنوبی نیز به دلیل تحمیل منطقه امنیتی بسته اسرائیل در امتداد مرز، به سرعت دچار بیابان زایی شدند که کشاورزان را از دسترسی و زمین هایشان باز می داشت. اسرائیل به جز کاهش دسترسی فلسطینی ها به زمین و آب، از سال ۱۹۶۷ محدودیت هایی بر صادرات

زمانی که شرکت ها اهمیت یک محصول را بدون توضیح برجسته می کنند.

۴- دستکاری فریبنده: این دسته بندی به معنای رفتار گمراه کننده ای است که در آن ارتباطات پایدار، عملیات عمدی از شیوه های تجاری را ایجاد می کند تا این تصور را ارتقاء دهد که محصولات، اهداف و یا سیاست های یک شرکت سازگار با محیط زیست هستند.

۵- مجوزها و برجسب های مشکوک: مجوز به اشخاص خارجی که استانداردها را تعریف می کنند معمولاً به عنوان شستشوی سبز در نظر گرفته می شود و حقوق خود شرکت را جایگزین اعتبار یک مجوز شخص ثالث می کند. با این حال، به دلیل اینکه مجوزها در سطح محصول و شرکت برای کنترل شستشوی سبز طراحی شده اند، نمی توان از این پدیده جلوگیری نمود. مشکل این است که برجسب های زیست محیطی می توانند در معرض تقلب قرار گیرند.

۶- برنامه های داوطلبانه عمومی ناکارآمد: شرکت ها به دلایل زیادی در برنامه های داوطلبانه با بودجه دولت مشارکت می کنند، اما مشارکت آنها به تنهایی نمی تواند باعث بهبود محیط زیست شود. برای مثال مشارکت کنندگان اولیه در خصوص سیاست های راهبردی تغییرات آب و هوایی تلاش های محسوسی برای کاهش کربن انجام دادند اما کسانی که بعداً بدان پیوستند نتوانستند اقدامات پیشگیرانه ای را به سرانجام رسانند. کارایی برنامه های داوطلبانه عمومی به مقررات سختگیرانه و اعمال جریمه برای تازه واردانی که استانداردها را رعایت نمی کنند بستگی دارند (۲۰).

گفتار سوم: اسرائیل و کاربست سبزشویی در بی عدالتی زیست محیطی

عدالت زیست محیطی به ادغام معنادار همه جوامع در ابتکارات با پیامدهای زیست محیطی، از جمله توسعه و اجرای این ابتکارات اشاره دارد. به طور خاص، این عبارت بر حصول اطمینان از رفتار منصفانه برای جمعیت هایی که بیشترین تأثیر نامطلوب را از پیامدهای زیست محیطی دارند (و اغلب به دلیل

اشاره‌ای به این واقعیت که در اردن در سرزمین اشغالی است، یا به اثرات بهداشتی پردازش زباله در آنجا، نمی‌نماید. با این حال بیش از ۸۵ درصد زباله‌های جامد در اسرائیل به روشی سالم از نظر زیست محیطی تصفیه می‌شوند که از این لحاظ اسرائیل را به یکی از پاک‌ترین کشورهای جهان از نظر زیست محیطی تبدیل نموده، اما این نکته را که از نظر زیست محیطی به بلایی بر سر مقیمان منطقه ایجاد نموده مغفول مانده است. اسرائیل از زمین‌های فلسطینی‌ها برای تخلیه غیرقانونی زباله‌های سمی برخلاف اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون بازل که اسرائیل نیز آن را امضاء نموده، استفاده می‌کند. انواع مختلفی از زباله‌ها به کرانه باختری منتقل می‌شوند، از جمله لجن فاضلاب، زباله‌های عفونی پزشکی، روغن‌های مستعمل، حلال‌ها، فلزات، زباله‌های الکترونیکی و باتری‌ها. حداقل ۱۵ کارخانه در کرانه باختری فعال هستند، از جمله شش کارخانه که زباله‌های خطرناک را تصفیه می‌کنند که به دلیل خطراتی که ایجاد می‌نماید نیاز به فرایندهای ویژه و نظارت دقیق دارد (۱۰).

موفقیت طرح سبز شویی اسرائیل به طور پیچیده‌ای با نقش رسانه‌ها در انتشار و تقویت تلاش‌های استراتژیک آن گره خورده است. وزارت خارجه اسرائیل در پاسخ به انتقادات مداوم بین‌المللی از سیاست‌های خود در منطقه، به ویژه در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، کمپین «برند اسرائیل» را در سال ۲۰۰۶ آغاز نمود. این کمپین به دنبال تغییر شکل برداشت جهانی از اسرائیل از طریق یک تلاش جامع برای تغییر نام تجاری بود که با تخصص کارشناسان بازاریابی ایالات متحده تسهیل شد. به طور قابل توجه در سال ۲۰۱۲، اسرائیل کمپینی بی‌سابقه تلویزیونی آغاز نمود و خود را به عنوان پیشگام «فناوری سبز» معرفی کرد و تصویری از کشوری را به نمایش گذاشت که عمیقاً درگیر اقدامات آگاهانه محیطی است. این تأکید استراتژیک بر رهبری تکنولوژیک در صنایع سبز به دقت پرورش داده شده است تا جایگاه بین‌المللی اسرائیل را به عنوان یک «کشور سبز» تقویت کند. همان‌طور که پیش‌تر بیان شده یکی از اقدامات «سبز شویی» اسرائیل استفاده نامتعارف از منابع آب است. این امر با توافق نامه ۲۰۲۰ آبراهام

محصولات کشاورزی فلسطینی‌ها و آبیاری اعمال کرده است که این اقدام منجر به ترک کشاورزی توسط بسیاری از فلسطینی‌ها و پذیرش شغل‌های با حقوق پایین شده است. اسرائیل با حمایت مالی از صادرات کشاورزی خود محدودیت‌هایی را برای صادرات محصولات فلسطینی ایجاد نموده است. از سال ۱۹۸۲ اسرائیل سامانه هیدرولوژیکی کامل نواحی اشغالی را به شرکت ملی آب اسرائیل متصل نموده است. به عبارتی اسرائیل کشاورزی فلسطینیان را تخریب نموده و سامانه آبی نواحی اشغالی را یکی از بخش‌های استعمار اکولوژیکی اسرائیل تلقی می‌کند. فلسطینیان بیشتر به خدمات آبی اسرائیل و صادرات مواد غذایی وابسته شده که استقلال فلسطینیان را مختل می‌نماید. اسرائیلی‌ها نیز به طور منظم از تأسیس زیرساخت‌های انرژی تجدیدپذیر توسط فلسطینیان جلوگیری می‌نمایند. به عنوان مثال هلند ده‌ها پنل خورشیدی به روستای برهمند در نوار غزه اهداء نمود که توسط مقامات اسرائیلی مورد تصرف قرار گرفت و منجر به دعوایی علیه دولت اسرائیل گردید. از دیگر موارد می‌توان به تخریب مراکز در تپه‌های الخلیل جنوبی واقع در کرانه باختری به دلیل چرای بیش از حد اشاره نمود. زیرا فلسطینی‌ها از دسترسی به مراتع سنتی و دیگر فرصت‌های معیشتی محروم بودند. در غزه بسیاری از فلسطینی‌ها مجبور به استفاده از روغن‌های گیاهی برای سوخت شده‌اند. زیرا اسرائیل واردات سوخت را کاهش داده و باعث آلودگی هوای محلی گردیده است (۲۲).

یکی دیگر از اقداماتی که اسرائیل در مناطق اشغالی در چارچوب «سبز شویی» انجام می‌دهد، نحوه دفع پسماندها است. در سال ۲۰۱۷ بزرگترین و پیشرفته‌ترین تأسیسات برای تصفیه زباله در اسرائیل دایر گردید. بر اساس گزارش‌های منتشر شده بخش بزرگی از زباله‌های تصفیه شده سپس به کارخانه سیمان در رمله منتقل می‌شود، جایی که حدود یک پنجم سوخت مورد نیاز برای راه‌اندازی کوره‌های کارخانه تامین می‌نماید. هآرتص، روزنامه پرمخاطب اسرائیل فرایندی را توصیف می‌کند که طی آن زباله‌های آلی برای پردازش به تأسیساتی در دره اردن فرستاده می‌شوند. با این حال، هیچ

کامل به سرزمین خود بود. این زمین‌ها توسط درختان مشخص شد تا نظارت بر فلسطینی‌ها تسهیل گردد. مضافاً اینکه از این طریق از گله‌داری و چرای مراتع توسط شهروندان فلسطینی ممانعت به عمل می‌آوردند (۲۴).

در واقع اسرائیل از مستعمرات سبز برای یهودی‌سازی، اروپایی کردن و تاریخ‌زدایی فلسطین استفاده می‌کند، هویت فلسطینی را محو می‌کند و مقاومت در برابر ظلم اسرائیل را سرکوب می‌کند و این استعمار سبز را تحت عنوان «شکوفه دادن به صحرا» به کار می‌برد. پیش از ورود اسرائیل به این مناطق، فلسطینیان دارای جامعه، اقتصاد، فرهنگ و سرزمینی در حال شکوفایی بودند. آب و هوای نیمه شمالی فلسطین عمدتاً مدیترانه‌ای است و عمده ساکنین این منطقه کشاورز و دهقانانی بودند که قبل از هجوم عمده استعمارگران یهودی، همه زمین‌های قابل کشت را کشاورزی می‌کردند. بنابراین اقدامات اسرائیل به عنوان درختکاری نه تنها موجب بیابان‌زدایی نمی‌شود بلکه سرزمین فلسطین را به تدریج به سمت بیابان‌زایی پیش می‌برد. به عنوان مثال، حیوانات متعلق به کشاورزان فلسطینی، پس از اینکه منطقه با ریختن سوزن‌های کاج اسرائیلی اسیدی شدند، نمی‌توانستند از فضای سبز تغذیه کنند. همچنین آتش‌سوزی رخ داده در سال ۲۰۱۰ نشان داد که این‌گونه درختان به راحتی قابلیت اشتعال دارند (۲۴).

نتیجه‌گیری

نسل اول و دوم حقوق بشر که بدو در علامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به صورت رسمی پا به منصفه ظهور گذاشت و متعاقباً با میتاقین حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی-اجتماعی جنبه الزام‌آور یافت، توسط مکتب‌های متعدد غربی در دوران مدرن و پسامدرن به کار گرفته شد. برخی از این مکاتب بر حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی-اجتماعی تمرکز نمودند که از جمله می‌توان به مکتب‌های تابع نگرش سوسیالیستی اشاره نمود که راه دستیابی به حقوق مدنی و سیاسی را از راه عدالت و رفاه اقتصادی برای همه اقشار جامعه می‌دانستند. اما دسته دیگر به مانند اسناد بین‌المللی معتقد

به صورت جدی مورد پیگیری قرار گرفت. به دنبال این موافقت‌نامه، تفاهم‌نامه‌های بسیاری امضاء شد که یکی از آنها اسرائیل را قادر می‌سازد آب شیرین را به کشورهای منطقه از جمله اردن بفروشد. به عبارتی دیگر اسرائیل هم نقش مقصر را ایفاء می‌نماید و هم ناجی. بدین توضیح که بحران آب در اردن نه تنها به دلیل هجوم آوارگان بلکه به دلیل غصب منابع آبی توسط اسرائیل است. بنابراین در راستای پروژه سبزشویی اسرائیل است که در آن اسرائیل نیز خود را بهتر و نوع دوست تر از کشورهای عربی همسایه خود می‌داند که این امر ناشی از تبلیغات رسانه‌ای است (۲۳).

اسرائیل به طور فعال مشارکت داوطلبانه در امور محیط زیست را ترویج می‌نماید. که نمونه آن ابتکاراتی مانند GoEco است. سازمانی که تبادلات محیطی و فرهنگی را تسهیل می‌کند. این پلتفرم برنامه‌های متنوعی را تنظیم می‌کند که مشارکت کنندگان را در سطح جهانی جذب می‌کند و فرصت‌هایی را برای داوطلب شدن در طیفی از ابتکارات فرهنگی، زیست محیطی و تاثیرگذار ارائه می‌دهد. اینها شامل کارآموزی اکوتوریسم، پروژه‌های حفاظت از طبیعت، اردوهای تابستانی همزیستی و تجربیات داوطلبانه خانوادگی و ایجاد یک محیط مشترک و غنی برای داوطلبان از سراسر جهان است. همچنین انجمن حفاظت از محیط زیست در اسرائیل که به عنوان قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین سازمان غیرانتفاعی حفاظت از محیط زیست تلقی می‌گردد، سفرهایی را به اسرائیل ترتیب می‌دهد تا نگاهی انحصاری به پروژه‌های حیات وحش در اختیار بازدید کنندگان قرار دهد (۲۳).

علاوه بر موارد فوق مناطق حفاظت شده اسرائیل علاوه بر اینکه به عنوان ابزار قدرتمند غصب زمین عمل می‌کنند، به معنای ممانعت از بازگشت آوارگان فلسطینی به صورت نمادین و مادی هستند. برای مثال تنها چند سال پس از اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط اسرائیل تصمیم گرفت خط سبز را از طریق درختکاری تقویت نماید. اسرائیل با جدا نمودن کرانه باختری از فلسطین به دنبال منزوی کردن بیشتر فلسطین و محدود کردن آزادی فلسطینیان برای دسترسی

کمتری نسبت به مخاصمات مسلحانه برای استعماری آشکار دارد، بلکه از این طریق خود را هواه خواه سرزمینهای اشغالی و همجوار نشان می دهد. به عبارتی اسرائیل توأمان هم نقش ناجی و هم قربانی ایفاء می نماید. قربانی از این لحاظ که تنها کشور منطقه است که برای سرزمینهای اشغالی و همجوار هزینه های هنگفت زیست محیطی می نماید. در صورتی که با توجه به مطالب بیان شده، مشخص گردید که اسرائیل از طریق بایرنمودن زمینهای فلسطینیان به صورت غیرمستقیم سعی بر تصرف این زمینها را دارد. زیرا که فلسطینیان که عمده اقتصاد آنها مبتنی بر کشاورزی و منابع طبیعی است به تدریج با بایر شدن زمینها به ترک خانه و کاشانه خود اقدام می نمایند. این گونه است که اسرائیل نه تنها عملکرد استعماری خود را از چشم سازمانهای بین المللی از جمله شورای حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل و نیز سازمانهای منطقه ای مانند اتحادیه اروپا پنهان می نمایند، بلکه آنها را به بهره گیری از کمکهای تکنولوژی های حمایت کننده از محیط زیست ترغیب می نماید.

References

1. Mousavi SF. Development of international environmental law sources. Mizan publication. 2015:19.
2. Carlisle A. The United Nations Conference on The Human Environment Stockholm 1972. The Forestry Chronicle. 1972; 48(3):118-.
3. Nations U. World charter for nature 1982.
4. Declaration R. Rio declaration on environment and development. 1992.
5. Bergesen HO, Parmann G, Thommessen ØB. Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter (London Convention 1972). Year Book of International Co-operation on Environment and Development: Routledge; 2018. p. 98-100.

بودند به دلیل اینکه حقوق مدنی و سیاسی در هر نظام سیاسی و حقوقی نیاز به هیچ ابزاری ندارد نمی بایست از طریق عدالت و رفاه اقتصادی که نیازمند سرمایه برای هر نظام سیاسی- حقوقی است تأمین گردد. این مکتبها تابع نگرش لیبرالها بودند. با این وجود پیشرفت تکنولوژی و آسیبهای فرامرزی برای تمامی این مکتبها سؤال دیگری را مطرح نمود که اگر فعل یا ترک فعلی باعث نقض حقی خارج از مرزهای یک کشور مطرح گردد چه می باید کرد؟

این سؤال باعث گردید که توجه نویسندگان و اندیشمندان حوزه علم حقوق و علوم سیاسی به نسل دیگری از حقوق بشر معطوف گردد. نسلی که امروزه به عنوان نسل سوم حقوق بشر و تحت عنوان «حقوق همبستگی» شناخته گردیده است. «حقوق همبستگی» این فرضیه را مطرح می نماید که فعل یا ترک فعل می تواند جمعی از افراد بشر را تحت تأثیر قرار دهد فارغ از اینکه تک تک این افراد از آن فعل یا ترک فعل منتفع می گردند یا خیر.

محیط زیست یکی از انواع این حقوق است. به گونه ای که هر کشوری می بایست از عملی که منجر به نقض حق بر محیط زیست سالم می گردد خودداری نماید زیرا که این عمل ممکن است در درازمدت باعث تسری به کشورهای همجوار و همسایه گردد. از همین رو است که اصطلاح «سبزشویی» در لسان علمی رواج پیدا نموده است که از عملکرد برضد حقوق بشر در قالب حمایت از محیط زیست جلوگیری نماید.

اسرائیل کشوری تازه تاسیس بعد از جنگ جهانی دوم است که مدعای یک حکومت دموکراتیک و لیبرال دارد. بدین توضیح که رژیم صهیونیستی نه تنها در قالب حمایت از نسل نخست و دوم حقوق بشر به نقض چنین حقوقی نسبت به فلسطین اشغالی و شهروندانش سوق داده است، بلکه با مطالعاتی که صورت گرفت نشان داده شد که این رژیم امروزه در قالب نسل سوم حقوق بشر که در بردارنده مهمترین متغیر در این نسل یعنی «حقوق همبستگی» می باشد، به راحتی به نقض حقوق بشر و نیز بشردوستانه پرداخته است. به عبارتی امروزه برای رژیم صهیونیسم استفاده از پوشش «حقوق همبستگی» و در قالب اصطلاحی نوظهور یعنی «سبزشویی» نه تنها هزینه

14. Rosh C. Essentials of environmental rights. first ed. Tehran: Khorsandi; 2011. 33 p.
15. Gruber S, editor Convention concerning the protection of the world cultural and natural heritage 1972. Stefan Gruber, 'Convention concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage; 1972.
16. Assembly UG. International covenant on civil and political rights. United Nations, Treaty Series. 1966;999:171.
17. Talai F, editor he necessity of observing the legal principles of environmental protection in urban development. urban planning and architecture training workshop, Fars Province Management and Planning Organization; 2014.
18. Dabiri F, Seyyed Abbaspour Hashemi, Fakhr al-Zahi Roosta. Examination of principles and concepts of international environmental law with a view to sustainable development. Journal of Environmental Science and Technology. 2008;3:220.
19. de Freitas Netto SV, Sobral MFF, Ribeiro ARB, Soares GRdL. Concepts and forms of greenwashing: A systematic review. Environmental Sciences Europe. 2020;32:1-12.
20. Yang Z, Nguyen TTH, Nguyen HN, Nguyen TTN, Cao TT. Greenwashing behaviours: Causes, taxonomy and consequences based on a systematic literature review. Journal of business economics and management. 2020;21(5):1486-507.
21. Ben-Shmuel AT, Halle S. Beyond greenwashing: Prioritizing environmental justice in conflict-
6. Wanki EA, Egute TO, Ezeamama AA. Basel Convention on the Control of Transboundary Movement of Hazardous Wastes and their Disposal. International Environmental Law (IEL)-Agreements and Introduction: BTU-Eigenverlag; 2022. p. 218-9.
7. Union A. Bamako Convention on the Ban of the Import into Africa and the Control of Transboundary Movement and Management of Hazardous Wastes within Africa. 1991.
8. Hackett DP. Assessment of the basel convention on the control of transboundary movements of hazardous wastes and their disposal. Am UJ Int'l L & Pol'y. 1989;5:291.
9. Zamani Q. Laws of International Organizations (personality, responsibility, immunity). Tehran: Shahr Danesh; 2008. 14 p.
10. Hughes SS, Velednitsky S, Green AA. Greenwashing in Palestine/Israel: Settler colonialism and environmental injustice in the age of climate catastrophe. Environment and Planning E: Nature and Space. 2023;6(1):495-513.
11. Grief N. Legality of the threat or use of nuclear weapons. International & Comparative Law Quarterly. 1997;46(3):681-8.
12. Seyfang G, Jordan A. Convention on Wetlands of International Importance especially as Waterfowl Habitat (Ramsar Convention). Yearbook of International Cooperation on Environment and Development 2002-03: Routledge; 2013. p. 196-8.
13. Sands P, Peel J. Principles of international environmental law: Cambridge University Press; 2012.

- Media: Perspective from the Past, Present and Future: Springer; 2024. p. 257-71.
24. Sasa G. Oppressive pines: Uprooting Israeli green colonialism and implanting Palestinian A'wna. Politics. 2023; 43(2):219-35.
- affected settings. Environment and Security. 2023;1(3-4):209-18.
22. Sasa G. Israel: Greenwashing Colonialism And Apartheid. 2017.
23. Ao B, Chatterjee S. Greenwashing and the Media: A Case of Israel. Environmental Activism and Global